

رئیس مجلس طرح صیانت را به شورای عالی فضای مجازی فرستاد

«صیانت» این بار در زمین دولت

شرق: ابوالحسن فیروزآبادی، دبیر شورای عالی فضای مجازی، خبر داده که «محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس، در نامه‌ای به رئیس شورا درخواست کرده دولت و شورای عالی فضای مجازی سیاست‌های کلان مربوط به فضای مجازی را مشخص کنند». طرح صیانت از پرحاشیه‌ترین طرح‌های مجلس یازدهم است که طیف مخالفانش از همه اقشار جامعه هستند و حتی خود نمایندگان مجلس نیز از تصمیم شتاب‌زده سال گذشته خود برای هشتادپننجی‌کردن طرح پشیمان شدند و در اولین گام در سال جدید طرح را بار دیگر به صحن برای بررسی از سوی همه نمایندگان مجلس بازگرداندند. البته اکنون سخن از انداختن توپ صیانت در زمین دولت است. هرچند تندروهای مجلس که عزم خود را برای محدودسازی اینترنت جزم کرده بودند، همچنان بر سر مواضع تند و خلاف منافع ملی خود ایستاده‌اند و معتقدند این طرح همچنان باید در کمیسیون مشترک که اکثریت اعضای آن را تندروها تشکیل داده‌اند، بررسی شود. این در حالی است که بعد از سخنان مقام معظم رهبری برای سامان‌دادن فضای مجازی از سوی

دولت، انتظار می‌رفت نمایندگان مجلس منتظر لایحه‌ای از سوی دولت بمانند و این طرح برای همیشه به فراموشی سپرده شود. همان زمان جلال رشیدی‌کوچی، نماینده مجلس، در همین زمینه در توییت‌ر خود نوشته بود: «فرمایشات مقام معظم رهبری امروز در جمع مجلس خبرگان؛ «اگرچه فضای مجازی مشکلاتی دارد، ان‌شاءالله جناب آقای رئیسی و دوستان‌شان باید همت کنند و هرچه زودتر باید این مشکلات برطرف شود». مسئولیت از روی دوش مجلس برداشته شد. ان‌شاءالله دولت دغدغه‌های مردم را برطرف کند». حال با توجه به جلسه غیرعلنی هفته گذشته مجلس و رای استمزاجی که نمایندگان به بازگشت طرح به صحن و انحلال کمیسیون مشترک داده‌اند، خبر رسیده طرح صیانت به شورای عالی فضای مجازی ارسال شده؛ بنابراین فرصت برای ایفای نقش و اعمال نظر دولت برای سامان‌دهی فضای مجازی فراهم شده است. فیروزآبادی درباره اهمیت این درخواست از شورای عالی فضای مجازی معتقد است: «مدت زیادی است که طرح مربوط به فضای مجازی در مجلس محل بحث و بررسی



عکس: پانلگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری

کارشناسان سیاسی تأکید چندباره رئیسی بر انداختن توپ مشکلات به زمین دولت قبل را آسیب‌شناسی کردند

همه مسئول‌اند

معصومه معظلی: «بانیان وضع موجود نباید در عرصه‌های مدیریتی مورد استفاده قرار بگیرند؛» جمله‌ای که بارها از سوی رئیس دولت سیزدهم بر آن تأکید شده است. این در حالی است که در بروز هر مشکلی قطعا عوامل متعددی دخیل‌اند و نمی‌توان یک فرد یا گروه را ولو اینکه مدتی در رأس امور اجرایی کشور بوده، مقصر صددرصدی مشکلات دانست. تکیه بر این حرف قطعا دادن آدرس اشتباه به افکار عمومی و قرار به جلو از سوی کسانی است که در سال‌های متعدد مسئولیت‌های کلیدی در کشور داشته‌اند، اما حالا نمی‌خواهند عهده‌دار حتی سهم کوچکی از مسئولیت این مشکلات باشند و صرفا توپ مشکلات را به زمین دولت قبل می‌اندازند. سیدابراهیم رئیسی که قبل از روی‌کارآمدن دولتش وعده داده بود دولت او از آن دولت‌هایی نخواهد بود که مسئولیت مشکلات را گردن نگیرد و به گذشته حواله دهد، چهارمین بار است در هشت ماهی که از عمر دولتش می‌گذرد، دولت روحانی و مدیرانش را مقصر می‌داند. رئیسی ۲۳ فروردین سال جاری در دیدار ذاکرین اهل بیت(ع) هم‌زمان با شب رحلت حضرت خدیجه(س) گفت: «دولت به همه احترام می‌گذارد، اما بی‌تردید کسانی که بانیان وضع موجود هستند و مردم از عملکرد آنان رضایت ندارند، نباید در عرصه‌های مدیریتی مورد استفاده قرار بگیرند...». او پیش از این نیز عصر جمعه هشتم بهمن ۱۴۰۰ در جریان سفر به استان گیلان در دیدار با نجیبان، علما، خانواده شهدا، ایثارگران و جمعی از اقبشار مختلف مردم بر این جمله تأکید داشت. علاوه‌بر آن ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰ و همچنین ۱۹ آذر ۱۴۰۰ در سخنرانی‌های خود تأکید کرده بود «از بانیان وضع موجود نباید در مدیریت‌ها استفاده کرد».

تأکید بر جمله فوق از سوی سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری که قدرت اول اجرایی کشور است و تا پیش از این نیز مسئولیت‌های بزرگی مانند ریاست قوه قضائیه، معاون‌اولی رئیس قوه قضائیه و دادستانی کل کشور را بر عهده داشته است، ایجاد سؤال می‌کند که بانیان وضع موجود از نظر او چه کسانی هستند که نباید از آنها در پست‌های مدیریتی استفاده شود؟ اگر واقعا چنین افرادی هنوز در بدنه دولت سیزدهم حضور دارند، چرا تاکنون پاک‌سازی نشده و با آنها برخورد نشده است؟ آیا قدرت آنها به حدی است که دولت جدید نتوانسته با آنها مقابله کند و آنها را تغییر دهد؟ آیا زورشان به دولتی که نزدیک به یک سال از عمر آن می‌گذرد، می‌چربد و تصمیم‌سازی آنها مانع از تصمیمات وزیر و مدیر و حتی رئیس‌جمهوری شده است؟ آیا به‌واقع مقصر شرایط موجود افرادی هستند که رئیسی انگشت اتهام خود را به سوی آنها نشانه رفته است؟ یا مسئله چیز دیگری است و رئیس دولت سیزدهم با اهداف دیگری بر طرح چنین مسائلی تکیه دارد و بارها و بارها بر این عبارت اصرار می‌ورزد؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤالات اول باید دید سهم هر مسئولی از این مشکلات چقدر است و چرا کسی عهده‌دار آن نمی‌شود و صرفا قصد دارد دیگری را مقصر قلمداد کرده و از خود سلب مسئولیت کند. برای پاسخ‌گویی به این سؤالات و آسیب‌شناسی مسئله، با محمدتقی فاضلمبیدی، استاد دانشگاه و عضو مجمع روحانیون مبارز و محمدصادق جوادی‌حصار، فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت‌وگو کردیم.

هرکسی مسئولیتی داشته در بروز وضع موجود مقصر است

محمدتقی فاضلمبیدی، استاد دانشگاه و عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم، در تحلیل این سخنان به «شرق» گفت: «دولت و قوه مجریه در این کشور بخش کمی از قدرت را عهده‌دار است، فرقی هم ندارد دولت اصلاح‌طلب باشد یا اصولگرا. خیلی از خود اختیار ندارد که بخواهد مشکلات کشور را حل کند». استاد دانشگاه مفید به‌عنوان مثال به «برجام» اشاره کرد و گفت: «در نمونه برجام، رهبری صراحتا گفتند دولت مجری بوده و تصمیم‌گیرنده نیست. سیاست خارجی هم از بخش‌های عمده قوه اجرایی کشور است و البته بسیاری از مسائل حیاتی کشور به آن بستگی دارد».

فاضلمبیدی ادامه داد: «اگر منظور آقای رئیسی از «بانیان وضع موجود» دولت آقای روحانی است، طبیعی است که دولت روحانی همه‌کاره نبوده و «بانیان وضع موجود» علاوه بر دولت، قوه مقننه و قوه قضائیه و نهادهای دیگر و مجمع تشخیص مصلحت است... نباید همه چیز را به پای دولت قبل نوشت».

او تأکید کرد: «اگر وضع موجود خوب یا بد است، بانی آن فقط دولت نیست. مثلا در محمدتقی فاضلمبیدی، استاد دانشگاه و عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم، در تحلیل این سخنان به «شرق» گفت: «دولت و قوه مجریه در این کشور بخش کمی از قدرت را عهده‌دار است، فرقی هم ندارد دولت اصلاح‌طلب باشد یا اصولگرا. خیلی از خود اختیار ندارد که بخواهد مشکلات کشور را حل کند». استاد دانشگاه مفید به‌عنوان مثال به «برجام» اشاره کرد و گفت: «در نمونه برجام، رهبری صراحتا گفتند دولت مجری بوده و تصمیم‌گیرنده نیست. سیاست خارجی هم از بخش‌های عمده قوه اجرایی کشور است و البته بسیاری از مسائل حیاتی کشور به آن بستگی دارد».

فاضلمبیدی ادامه داد: «اگر منظور آقای رئیسی از «بانیان وضع موجود» دولت آقای روحانی است، طبیعی است که دولت روحانی همه‌کاره نبوده و «بانیان وضع موجود» علاوه بر دولت، قوه مقننه و قوه قضائیه و نهادهای دیگر و مجمع تشخیص مصلحت است... نباید همه چیز را به پای دولت قبل نوشت».



است و بین کمیسیون مشترک و صحن در تردد است. هیئت‌رئیسه مجلس هم ورود کرده و جلسات زیادی تاکنون تشکیل شده که همه نشان می‌دهد مجلس به آرای عمومی جامعه اهمیت می‌دهد و به آن بی‌تفاوت نیست. برای همین به دنبال آن هستند که طرح مذکور علاوه بر مشروعیت قانونی، معقولیت اجتماعی هم داشته باشد. نامه و درخواست اخیر رئیس مجلس در راستای کسب معقولیت اجتماعی است و نظرشان این است که شورای عالی به‌عنوان شورای سیاست‌گذار کمک کند. ما هم امیدوار هستیم که خروجی مجموع این تلاش‌ها به مصلحت مملکت ختم شود و رضایت جامعه هم جلب شود». دبیر شورای عالی فضای مجازی درباره نحوه رسیدگی به درخواست مجلس افزود: «در اولین جلسه پیش‌روی شورای عالی فضای مجازی، درخواست مربوطه بررسی خواهد شد. ما در شورای عالی به دنبال تعیین سیاست‌های کلان هستیم و امیدواریم که در پی این کار نظر متخصصان و مردم را جلب کنیم. نظر ما این است که طرح جامعی ارائه شود که همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی

محسن رضایی نه در جنگ و نه در اقتصاد معجزه نکرد!

عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم همچنین به وعده‌های انتخاباتی محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام که گفته بود دکتری اقتصاد دارد و قادر به درمان اقتصاد بیمار کشور است، اشاره کرد و افزود: «آقای محسن رضایی که معاون اقتصادی رئیس‌جمهور است و زمان انتخابات به‌حدی محکم برای حل مشکلات اقتصادی حرف می‌زد که تصور کردیم قرار است معجزه کند! -مثل زمان جنگ که معجزه کرد- اما حالا اصلا حضور ندارد و کوچک‌ترین قدمی برای رفع مشکلات اقتصادی برنداشته و حتی مصاحبه‌ای هم نمی‌کند!».

این‌فعال سیاسی اضافه کرد: «استکبارستیزی و دولت قبل ستیزی، شاخصه دولت‌هایی است که روی کار می‌آیند و افراد صفرکیلومتر را در رأس امور قرار می‌دهند و وقتی موفق نمی‌شوند، مشکلات را گردن دولت پیش از خود می‌اندازند. بنابراین تا زمانی که در این مملکت افراد کاردان، کارشناس و اقتصاددان واقعی روی کار نیایند و این خط بازی‌های سیاسی کنار نرود، مشکلی حل نمی‌شود».

فاضلمبیدی تأکید کرد: «البته مشکل در مواجهه با سیاست خارجی و برجام است که سرنوشت کشور به آن گره خورده و تا این مشکل حل نشود، آنها جلوی پای ما سنگ‌اندازی می‌کنند و مشکلات کشور به قوت خود باقی می‌مانند».

دستگاه‌های دیگر هم به اندازه دولت و قوای دیگر مسئول‌اند

علاوه بر فاضلمبیدی، محمدصادق جوادی‌حصار، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی نیز به این سخنان واکنش نشان داد و به «روزنامه شرق» گفت: «اول باید تعیین کنیم وضع موجود از چه زمانی ملاک عمل است. مثلا زمانی که دولت جدید هنوز سر کار نیامده و فاصله بین این دولت و آن دولت یک هفته تا یک ماه است، باید گفت آنچه وجود دارد ناشی از عملکرد دولت قبل است. اما اکنون بیش از هشت ماه از شروع به کار دولت سیزدهم گذشته است و آقای رئیسی گفته بود ما از آن دولت‌هایی نیستیم که کار را به گذشته حواله دهیم و ناکامی را گردن دولت قبل بیندازیم. اما حالا برخلاف وعده اولیه خود عمل کرده است». این فعال سیاسی ادامه داد: «در مدتی که از دولت سیزدهم گذشته، اتفاقات زیادی افتاده و قیمت کالاهای اساسی بیش از دو برابر شده است و این ماجرا ربطی به دولت قبل ندارد». و قیمت کالاهای اساسی بیش از دو برابر شده است و این ماجرا ربطی به دولت قبل ندارد». جوادی‌حصار ادامه داد: «برجام که همچنان احیا نشده و وضعیت منطقه هم هیچ تغییر مثبتی نداشته است که بگوییم سیاست خارجی دولت قبل بد بوده و شرایط منطقه‌ای ایران را به وضعیت بدی کشانده بود و حالا سیاست خارجی مثبت منطقه‌ای دولت فعلی باعث سیاست حسن هم‌جواری شده است».

او تصریح کرد: «در این مدت عراقی‌ها پول‌های ایران را بلوکه کرده‌اند و پس نمی‌دهند. با افغانستان هم مشکلات مرزی و حقه‌ابه همچنان به قوت خود باقی است. مشکلات مهاجران افغانستانی که در دولت‌های قبل هم بود، در این دولت تشدید شده و متأسفانه در حال تبدیل‌شدن به یک مسئله بفرنج و بحرانی است».

عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی اضافه کرد: «سیستم مدیریتی کشور هم سیستم کارآمدی نیست که بتواند مشکلات روزمره مردم را حل کند. معضلی قدیمی به نام حقوق زنان در ایران هم مطرح بوده و اصولگرایان اعلام می‌کردند اگر قدرت یکدست شود، این امور را سامان‌دهی می‌کنند؛ اما دیدیم برای حضور زنان در استادیوم ورزشی چه بحرانی ایجاد کردند که تبعات زیادی به همراه دارد. بنابراین باید بررسی شود که وضعیت موجود نتیجه عملکرد دولت‌هاست یا نتیجه رویکرد کلی».

جوادی‌حصار با بیان اینکه «اگر این مشکلات ناشی از نتیجه عملکرد دولت‌ها باشد، می‌توانند عملکرد دولت روحانی را نقد کنند». گفت: «در این صورت می‌توانند در ترازوی نقد عادلانه می‌گزردی در تلویزیون تشکیل دهند و کارشناسان دولت روحانی را برای دفاع از عملکردشان دعوت کنند و کارشناسان دولت فعلی مسئله را نقد و آسیب‌شناسی کنند. ما هم از این موضوع استقبال می‌کنیم». این فعال سیاسی اصلاح‌طلب در پاسخ به این سؤال که «بانیان وضع موجود» به نظر آنها چه کسانی هستند؟ توضیح داد: «وضع موجود ماحصل عملکرد دولتی نیست. به نظر من وضع موجود محصول رویکرد یکدست‌سازی قدرت است و به دولت‌ها ربطی ندارد. این رویکرد از زمان آقای احمدی‌نژاد بر این مبنا قرار گرفت که کلیت نظام سیاسی را یکدست کند. البته نتیجه یکدستی حاکمیت در دولت آقای احمدی‌نژاد به حدی درخشان است که خود اصولگرایان که به دنبال آن بودند، حاضر نیستند آن را در کارنامه خود ثبت کنند». جوادی‌حصار یادآور شد: «در ادامه آن روند، هر هدفی به‌جز آن دنبال می‌شد بایکوت می‌شد و اجازه تحقق آن را نمی‌دهند. دستگاه‌های موازی و تصمیم‌ساز مثل مجلس هم مانع از تحقق مطالباتی بودند که با منوابعاتشان هماهنگ نبود؛ بنابراین همیشه تعارض جدی میان این نگاه و نگاه دولتی وجود داشته است». او افزود: «اکنون می‌خواهند یکدست‌سازی کنند چون نگاه غیر دولتی از نگاه دولتی در دستگاه دولت، مانع از پیشرفت دولتی می‌شود. بنابراین کارنامه یک‌ساله دولت آقای رئیسی نشان می‌دهد این نگاه یکدست و هماهنگ‌کننده سه قوه با یک رویکرد، چه وضعیتی دارد! در واقع سالی که نکوست از بهارش پیداست».

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب با تأکید بر اینکه «کسانی که کشور را به اینجا رسانده‌اند باید پاسخگو باشند» گفت: «علاوه بر دولت‌ها، دستگاه‌های خارج از دولت که بیشترین سهم اقتصادی کشور را دارند و مجمع تشخیص مصلحت و قوه قضائیه هم در بروز شرایط موجود دخیل‌اند و باید به میزان سهمشان عهده‌دار مسئولیت باشند. او ادامه داد: «بنابراین وضع موجود را تنها دولت‌ها تعیین نمی‌کنند و اگر تنها دولت‌ها تعیین‌کننده بودند، چرا این‌همه تلاش صورت گرفت که مجلس را یکدست کنند؟ این فعال سیاسی اصلاح‌طلب، مواجهه با موضوعات را «کاملا سیاسی» دانست و گفت این نگاه خاص باید پاسخ‌گوی وضع موجود باشد، نه فقط دولت‌ها؛ چراکه همه دولت‌ها تا حدی مقصرند و تأکید چهارباره آقای رئیسی بر «بانیان وضع موجود» و گرفتن انگشت اتهام به سوی مدیران و دولت قبلی، به دلیل ضعف عملکرد دولت فعلی و فرار به جلو برای نپذیرفتن مسئولیت است.

با توجه به اظهارات کارشناسان و به‌خرج‌دادن کمی انصاف، می‌توان به این نتیجه رسید که بانی وضع موجود نه فقط دولت قبل و مدیرانی هستند که شاید به تعداد انگشت‌شماری، آن‌هم به دلیل نداشتن مدیران لایق جایگزین، فعلا در بدنه دولت مانده‌اند، بلکه همه مسئولانی هستند که در ۴۲ سال گذشته در نظام مسئولیتی داشته‌اند و به قولی علاقه‌مند هستند توپ را به زمین دولت قبلی و استکبار جهانی بیندازند و از خود سلب مسئولیت کنند.

و... فضای مجازی را پوشش دهد. ما سیاست‌ها را طوری تنظیم خواهیم کرد که بر اساس آن خلاهای قانونی در فضای مجازی یا ابعادی که نیاز به اصلاح قانون است، مشخص و از سوی دولت یا مجلس اعلام شود». فیروزآبادی افزود: «بعد از بررسی سیاست‌های کلان، ما طرح را به مجلس برمی‌گردانیم و سرانجام خود مجلس تصمیم خواهد گرفت که سیاست‌ها را به چه نحوی اجرا کند». بر اساس این سخنان باید منتظر متنی متفاوت و احتمالا کارشناسی‌شده درباره ساماندهی فضای مجازی باشیم که به دور از تندیروها تدوین خواهد شد. البته نگرانی از محدودسازی اینترنت همچنان پابرجاست و با گران‌شدن اینترنت در چند روز اخیر عملا بخش اعظمی از جامعه توان پرداخت هزینه دسترسی به اینترنت و محتوای مورد نیاز خود در فضای مجازی را نخواهند داشت؛ بنابراین بدون قانون‌گذاری هدف اولیه طرح صیانت یعنی محدودسازی اینترنت اجرایی شده است و بزودی چالش عدم دسترسی به اینترنت به‌خصوص در میان اقشار ضعیف جامعه احساس خواهد شد.

یادداشت

تکفیری‌ها و طالبان در افغانستان؟



احسان هوشمند

در یادداشت پیشین در هفته گذشته، پرسشی طرح شد: آیا حاکمیت طالبان بر افغانستان می‌تواند به تقویت تکفیری‌ها و در نتیجه گسترش اقدامات ترویسستی به‌ویژه در ایران منجر شود؟ در یادداشت حاضر ابتدا مقدماتی درباره جریان‌های تکفیری و تحولات افغانستان طرح می‌شود.

تکفیری‌ها خلف سلفی‌ها در سده معاصر هستند که خود را در رفتار، اعمال و اعتقادات پیرو سلف صالح یعنی پیامبر(ص) و صحابه و تابعین می‌دانند. بنیان‌های فکری این‌تیمیه و محمد بن‌عبدالوهاب نقش مهمی در گسترش تفکر سلفی داشته است. تکفیر در اینجا به معنای نسبت کفر و شرک دادن به مسلمان است. از نظر این جریان ترک‌کردن اسلام، رد کامل یا بخشی از شرع خداوند، سب یا استهزای خداوند، قرآن یا یکی از پیامبران، نفی صفات و نام‌های خداوند یا تشبیه خداوند به آفریده‌اش یا توصیف کسی به صفتی که تنها صفت خداوند است یا رابطه مسلمانان با کفار که موجب کفر شود، مبنای تکفیر و مباح‌دانستن قتل و کشتار تلقی می‌شود. بدعت‌زدایی از اسلام از اهداف این‌تیمیه و دیگر سلفی‌هاست. فلسفه، باطنیه، اسماعیلیه و حتی شیعیان از نظر برخی جریان‌های سلفی و تکفیری واجب‌القتل هستند. گسترش معنایی و مصداقی کفر یکی از پیامدهای گسترش سلفی‌گری است. جهاد در میان تکفیری‌ها مبتنی بر جهاد تهاجمی با رویکردی جهانی است و در نتیجه اسلام بیش از عالم و دانشمند به مجاهد نیاز دارد. سلفی‌ها تحت تأثیر وهابیت و سید قطب و محمد قطب و دیگر جریان‌ها، با تکفیری تبلیغی یا تکفیری جهادی هستند. برخی از رهبران جریان تکفیری ضمن احتراز از مفاهیمی همچون جهاد اکبر یعنی مبارزه با نفس و جهاد اصغر یعنی جنگیدن با دشمنان راه خدا، جهاد با شمشیر را جهاد در خانواده می‌دانند و لذا مسلمانان برای جهاد نباید منتظر اجازه‌گرفتن از کسی باشند. این حکم از نظر برخی از رهبران این جریان تنها شامل جهاد علیه غیرمسلمان نمی‌شود و مسلمانان را نیز شامل می‌شود. جریان‌های مختلف تکفیری تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند و این تفاوت‌ها گاه موجب تکفیر دیگری نیز شده است؛ مانند تکفیر طالبان توسط داعش! طالبان یک جریان مذهبی و نظامی مسلک‌ر از روحانیونی است که تحت تأثیر سه شاخص اسلام حنفی، طریقت دیوبندی و مختصات طایف‌های قوم پشتون در افغانستان ظهور کرد. طالبان را نمی‌توان تکفیری خالص دانست. برخی از رهبران دیوبندیه ریدی‌ها بر تسبیح نوشته‌اند. از ۱۹۹۴ طالب‌ها در صفحه منازعات افغانستان وارد شدند و از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۱ بر بخش وسیعی از افغانستان ازجمله کابل تسلط یافتند. این طایفه که بیشتر آنها در پاکستان آموزش دیده بودند، حکومت خود را امارت اسلامی افغانستان نام نهادند و رهبر خود را امیرالمؤمنین خواندند. مخالفت با هنر ازجمله موسیقی، نقاشی و مجسمه‌سازی، برخی ورزش‌ها مانند فوتبال و شطرنج و دیگر ورزش‌ها و البته به‌شدت برای زنان، حضور بدون محارم زنان در اجتماع، حضور اجباری در نماز جماعات و سخت‌گیری در اجرای شریعت ازجمله ویژگی‌های حکومت طایفه‌های افغانستان در بر این کشور بود. برای طالب‌ها منافع و مصالح عمومی و جمعی جایگاهی ندارد. با حمله به شهر مزارشریف در آگوست ۱۹۹۸ (مرداد ۱۳۷۷) کنسولگری ایران طعمه حملات طالبان شد. پس از حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ القاعده در آمریکا، بوش پسر افغانستان را مورد هجوم قرار داد و حامد کرزی به قدرت رسید. در سال گذشته در دولت ترامپ گفت‌وگو میان آمریکایی‌ها و طالب‌ها در قطر آغاز شد و سپس در دولت بایدن آمریکا یکباره افغانستان را تخلیه کرد و به‌سرعت طالبان موفق به اشغال کابل و دیگر ولایات افغانستان شدند و برخلاف دوره ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ مسیحی در دوره حاضر با مقاومت جدی احزاب افغانستانی روبه‌رو نشدند. سرژن‌تکفیر افغانستان می‌تربدید همسایگان این کشور از جمله ایران را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در چهارونیم دهه گذشته ایران بنیادی میلیون‌ها نفر از مهاجران و آوارگان افغانستانی بوده است. آیا در این دوره طولانی از بروز بحران‌های مختلف در افغانستان و سپس ظهور طالبان و به قدرت رسیدن طالبان نهادهای علمی و سیاسی و دانشگاهی پرشمار کشور تمرکز بر مطالعات افغانستان‌شناسی داشتند؟ آیا گروه‌ها و پژوهشکده‌های مطالعات افغانستان در ایران تأسیس شد؟ این اتاق‌های فکر و مطالعات دانشگاهی چه دستاوردهایی برای کشور داشتند؟ آیا نتایج این مطالعات از سوی مسئولان مربوطه مورد استفاده قرار گرفت؟ چگونه و با چه مکانیسمی این مطالعات توسط مسئولان کشور مورد استفاده قرار گرفت؟ آیا طالبان‌شناسی از نظر اعتقادی و کلامی در کانون مطالعات نهادهای ذیربط قرار داشت؟

ادامه در صفحه ۴